

گزارش



## شکاف دستمزد زنان و مردان در جهان

داستان برابری دستمزد بین زنان و مردان در صد سال گذشته بسیار پر فراز و نشیب بوده و همیشه نشانه‌هایی از بی‌عدالتی در حقوق زنان را در خود داشته است. این روزها کتاب جدیدی به نویسندگی خانم کلودیا گلدین در دانشگاه هاروارد به چاپ رسیده که در آن مطالعه جامعی درباره انتخاب‌های زنان آمریکایی و زمینه‌های این انتخاب‌ها انجام شده است. این کتاب سفر طولانی زنان به سوی برابری را مورد کنکاش قرار داده و تلاش کرده تا مشکلات زنان را پیدا کردن شغل و دستمزد را بررسی کند.

مطالعات خانم گلدین با اولین نسل از زنان قرن ۱۹ آغاز می‌شود که برای داشتن شغل مجبور به ترک فرزند یا حتی ازدواج شده‌اند. از میان زنان برجسته آمریکایی در این قرن تقریباً از هر ۱۰ نفر، بیش از سه نفر آن‌ها صاحب فرزند نشده‌اند. موقعیتی که آن‌ها را مجبور کرده بین خانواده و داشتن شغل یکی را انتخاب کنند.

نسل بعدی زنان که بین سال‌های ۱۹۲۴ و ۱۹۳۴ به دنیا آمده‌اند، تجربه راحت‌تری از زندگی داشته‌اند: تشکیل خانواده و سپس شغل. یک زن معمولی در آن دوران، پس از فارغ‌التحصیلی کاری پیدا می‌کرد، ازدواج می‌کرد و صاحب فرزند می‌شد. در این دوره زن کار را راه می‌کرد تا فرزندان را بزرگ کند، اما زمانی که فرزندان بزرگ می‌شدند و به مدرسه می‌رفتند، احتمال برگشت دوباره به کار وجود داشت. هرچند این امکان هم بود که با مشکل فراموشی مهارت‌ها و تجربه‌ها و سختی در پیدا کردن شغل مناسب روبه‌رو شود.

دسته بعدی یعنی زنانی که در سال‌های ۱۹۵۸ به دنیا آمدند، توانستند با کنترل باروری، ازدواج و فرزندآوری را به تأخیر بیندازند و با وجود فضای بازتر اجتماعی در عرصه اجتماعی و اقتصادی رشد کنند، اما همچنان شکاف‌ها و تبعیض‌های جنسیتی علیه زنان در جامعه آشکار بود. در این زمان، زنان آمریکایی برای هر ساعت کار به‌طور متوسط ۲۰ درصد کمتر از مردان درآمد داشته‌اند. این شکاف در بین زنان تحصیلکرده بیشتر هم بوده است؛ گاهی تا ۲۶ درصد درآمد کمتر. در این بخش از کتاب خانم گلدین با تکیه بر مجموعه‌ای از تحقیقات، استدلال می‌کند که اکثر زنان، دیگر از تبعیض در بازار کار به معنای دستمزد نابرابر برای عملکرد برابر رنج نمی‌برند و همچنین تحلیل می‌کند که این شکاف دستمزد ناشی از انتخاب نوع شغل توسط زنان نیست. مهم‌ترین علت این است که زنان به خاطر بخشی از واکنش منطقی خانواده به کار آن‌ها اصولاً به دنبال کارهای کلیدی‌تر و حریصانه‌تر که از آن‌ها زمان و توجه بیشتری را می‌طلبد نمی‌روند. شغل‌هایی مانند امور مالی یا کارهای حقوقی که به ساعات طولانی‌تر و غیرقابل پیش‌بینی نیاز دارد، زن باید به عنوان یک مادر فضای خانه را برای همسر و کودکان گرم نگه دارد و به امور کودکان رسیدگی کند و این با روح شغل‌های حریصانه که نیازمند تمامی تمرکز و انرژی آن‌هاست در تناقض است. در این شرایط منطقی است که یکی از والدین بیشتر درگیر کارهای خانه شود و دیگری در شغل‌ها و پست‌های مهم‌تر رشد کند. برای حل این مشکل، خانم گلدین که به مکتب محافظه‌کاران شیک‌اکو تعلق دارد، پیشنهاد می‌کند پارانه خانواده‌ها برای مراقبت از کودکان افزایش یابد. این کار دست‌مادران را هم در پرورش کودکان و هم در حضور در موقعیت‌های شغلی باز نگه می‌دارد.

بخش‌های دیگر این کتاب، به نقش تحولات فناوریک و نوسآوری در تغییر موقعیت‌های شغلی زنان می‌پردازد. شرایطی مانند دور کاری، خوداشتغالی و یا استفاده از هوش مصنوعی که زمینه‌ای برای استفاده هرچه بهتر زنان از استعدادها و توانایی‌های‌شان فراهم می‌کند. شرایطی که تا حدودی سیستم‌ها و ساختارها را در این زمینه تغییر خواهد داد و احتمالاً رسیدن به عدالت دستمزد را بین زنان و مردان افزایش می‌دهد.

منبع: hbr.org

نویسنده کتاب کار و از خودبیگانگی با این پرسش صحبت‌های خود را ادامه می‌دهد: «وقتی کارگران در سراسر جهان پخش می‌شوند و یکدیگر را نمی‌شناسند چه اتفاقی خواهد افتاد؟ کارگران شرکت‌های دیجیتال مانند کسانی که در آمازون مکانیکال فعال هستند، ماساروادار می‌کنند تا به اشکال جایگزین انسجام گروهی فکر کنیم. هنگامی که نگاه دقیق‌تری به کارگران مکانیکی آمازون بیندازیم، می‌توانیم ببینیم که چگونه از زیرساخت اینترنت برای ایجاد پیوندهای همبستگی آنلاین و راهمایی به یکدیگر استفاده می‌کنند، یا مثلاً در پلتفرم «ردیت» جایی که کارگران بحث‌ها را در مورد نحوه بهینه‌سازی پلتفرم شروع می‌کنند.»

در واقع نیاز به بررسی عمیق‌تر ویژگی‌های خاص هر فناوری بدون فراموش کردن واقعیت‌افرادی که از آن‌ها استفاده می‌کنند، اصرار ضروری است. همچنین زمینه سیاسی-اقتصادی ملی که کارگران در آن قرار دارند نیز نقش مهمی ایفا می‌کند. پلتفرم‌ها در این زمینه‌ها عمل می‌کنند و به روابط صنعتی و قوانین موجود در آنجا متصل هستند که می‌تواند از مدل پلتفرم آن‌ها پشتیبانی کند، اما به‌طور بالقوه آن‌ها را نیز تنظیم می‌کند.

### اهمیت قوانین مناسب

آیا کار یک پلتفرم اینترنتی باید به عنوان بخش جداگانه‌ای از بازار کار در نظر گرفته شود، تنها به این دلیل که نوآوری دیجیتال فعلی، اتصال آنلاین و تقاضای نیروی کار را با سرعت بی‌سابقه‌ای امکان‌پذیر می‌کند؟ به نظر می‌رسد که پاسخ منفی است، زیرا شباهت‌های زیادی بین شرایط کاری برای کسانی که کار پلتفرم و کارهای معمولی انجام می‌دهند، وجود دارد؛ شباهتی که از قرن نوزدهم نیز می‌توان آثا‌رش را پی گرفت. هر دو ترتیب کاری با ساعات کاری بسیار کوتاه (و در برخی موارد بسیار طولانی) همراه با ماهیت غیرقابل پیش‌بینی آن‌ها مشخص می‌شود. مسئله‌ای که روی ثبات شغلی و درآمدی کارگران تأثیر می‌گذارد. آن‌ها نمی‌توانند مطمئن باشند که آیا برای روز یا حتی ساعت بعد کار یا درآمدی خواهند داشت یا خیر.

این ویژگی‌های مشترک نشان‌دهنده این است که پلتفرم یا کار مبتنی بر اینترنت بخشی از روندهای گسترده‌تر بازار کار مانند کار معمولی است. به گفته پرفسور «دوری»، متخصص اشتغال اینترنتی و کار غیررسمی، گنجاندن کار پلتفرم‌ها در این چارچوب مهم است، زیرا «پیش از ورود پلتفرم‌ها و از قبل، یک الگو برای تنظیم کارهای معمولی وجود داشت که می‌تواند برای کارهای پلتفرم دیجیتال نیز استفاده شود. قوانین در مورد پلتفرم‌ها تاکنون فقط تا حدی تنظیم شده است، مانند اسپانیا با موضوع ابتکارات قانونی است که هنوز تأیید نشده و در حال بررسی و رفت و برگشت است، مانند اتحادیه اروپا.»

تمرکز توجه ما بر این موضوع (ماهیت مشاغل پلتفرم دیجیتال و پیامدهای آن برای زندگی کارگران) چالش‌های پیش‌رو را آشکار می‌کند، چالش‌هایی مانند نیاز به تدوین مقررات و سیاست‌های خاص برای بهبود شرایط کاری و روابط کاری برای کارگران پلتفرم‌های آنلاین که از حقوق آن‌ها برای سازماندهی و آزادی شکل یا تضمین شفافیت بیشتر در استفاده از فناوری حمایت کنند.

منبع: equaltiems.org



تقریباً مسئول ۸۵ درصد تولید جهانی‌اند بهبود بخشند و اطمینان حاصل کنند که لاستیک آن‌ها می‌تواند در اروپا فروخته شود.» با این حال این خطر وجود دارد که منابع خرید مواد اولیه لاستیک به‌صورت انحصاری در اختیار گروه‌های خاصی قرار بگیرد.

به لطف افزایش فقر در مناطق کمتر توسعه یافته دنیا انجام می‌شود

# ثروت بیشتر برای پلتفرم‌های کار آنلاین



چگونه می‌توانند نابرابری‌ها را تشدید و باز تولید کنند، بسیار مهم است.»

قاسم ادامه می‌دهد: «وقتی در مورد کار از طریق پلتفرم‌های دیجیتال صحبت می‌شود، مهم است که دو بُعد را در نظر داشته باشیم؛ اولین مورد ماهیت خود پلتفرم است، خواه این پلتفرم مبتنی بر مکان باشد، مانند کارگران انبار «آمازون» یا رانندگان «وپر» که مکان کارشان برای انجام وظایف شغلی‌شان کلیدی است و یا اینکه یک پلتفرم مبتنی بر وب، مانند سایت آمازون یا هر نوع خدمات اینترنتی که در آن‌ها شغل آنلاین جایی اتفاق می‌افتد که کارگران می‌توانند کارهای کوچک را از روی صفحه نمایش خود و از هر جای دیگری در دنیا انجام دهند. بُعد دوم

شرایط بهتری برای کارگران دارد. با این حال، آنچه ما نتوانستیم به آن بپردازیم این است که تا چه حد کار در یک پلتفرم آنلاین می‌تواند به عنوان پله‌ای برای مشاغل سنتی‌تر عمل کند. سایر پژوهش‌ها با استفاده از داده‌های طولی به این مسئله پرداخته‌اند، اما به نظر نمی‌رسد تاکنون پیوند روشنی میان توسعه کار سنتی از طریق پلتفرم‌های آنلاین به عنوان شغل دوم فرد وجود داشته باشد. به عبارت دیگر به نظر نمی‌رسد این مشاغل آنلاین راهی برای مشاغل بهتر برای آسیب‌پذیرترین کارگران را فراهم کنند.»

این مطالعه نشان‌دهنده درجات مختلفی از ادغام بین بازارهای کار سنتی و آنلاین در کشورهای اتحادیه اروپاست.



**وقتی کارگران در سراسر جهان بخش می‌شوند و یکدیگر را نمی‌شناسند چه اتفاقی خواهد افتاد؟ کارگران شرکت‌های دیجیتال مانند کسانی که در آمازون مکانیکال فعال هستند، ما را وادار می‌کنند تا به اشکال جایگزین انسجام گروهی فکر کنیم**

ماهیت کار یا نحوه پرداخت حقوق کارگران است که دو شکل دارد: به‌طور سنتی، پرداخت با دستمزد ساعتی، مانند مشاغل انبار آمازون و یا شکل پرداخت در هر تکمیل وظیفه محوله، به عنوان مثال در مورد راننده‌های اینترنتی.»

شکل پرداخت‌ها به کارگران بر نحوه سازمان‌یابی و میزان بیگانگی آن‌ها از کار تأثیرگذار است. مثلاً مدت‌زمان رابطه کاری‌ای که افراد با هم در یک شغل برقرار می‌کنند و اینکه آیا همکاران خود را می‌شناسند یا نه.

خانم «قاسم»، نویسنده کتاب «کار و از خودبیگانگی در پلتفرم‌های اقتصادی» می‌گوید: «در حالی که کارگران در سراسر پلتفرم‌ها با استثمار و نظارت مواجه هستند، می‌بینیم که چگونه اقتصاد پلتفرم‌ها نمونه‌ای از اشکال کاملاً متنوع مقاومت و سازمان‌دهی کارگری را بروز می‌دهد. ما چنین پدیده‌ای را به‌ویژه در پلتفرم‌های مبتنی بر مکان مشاهده کرده‌ایم. پلتفرم‌هایی که نحوه پرداخت‌شان سنتی است، مانند انبارهای آمازون و شرکت‌های تحویل غذا.»

## تلفات جنگل‌ها برای تولید لاستیک

کاکائو و قهوه اعمال می‌شد و به درخواست قانون‌گذاران اتحادیه اروپا در دسامبر گذشته، لاستیک هم به این لیست اضافه شد.

برای جلوگیری از جرمی‌ه، واردکنندگان باید اطلاعاتی ارائه دهند که ثابت کنند محصولات از زمین‌های جنگل‌زدایی شده پس از سال ۲۰۲۰ به دست نیامده است.

«انتجی آهن‌رند» از باغ گیاه‌شناسی سلطنتی ادینبورگ و نویسنده ارشد این مطالعه (که روز چهارشنبه گذشته منتشر شد) گفت: «این قوانین می‌تواند خریداران را تشویق کند تا لاستیک را از تولیدکنندگان بزرگ با زنجیره‌های تأمین کمتر پیچیده تهیه کنند.»

او ادامه داد: «با توجه به مراحل متعدد در زنجیره تأمین لاستیک و ماهیت پراکنده تولید آن، چنین وضعیتی برای تاجران و تولیدکنندگان دشوار است. اینکه آن‌ها بتوانند مکان‌یابی مناطق دقیق منبع مواد اولیه لاستیک را شناسایی و بررسی کنند کار چندان ساده‌ای نخواهد بود. سازمان‌هایی مانند شورای نظارت بر جنگل‌ها در تلاش هستند تا قابلیت ردیابی را برای مالکان خرد که

در کشورهای اروپای مرکزی و شرقی (استونی، لهستان، مجارستان، جمهوری چک و اسلواکی)، اکثریت قریب به اتفاق کارگران آنلاین نیز مشاغل آفلاین (سنتی) دارند، در حالی که در فرانسه و یونان کمتر از ۶۰ درصد کارگران آنلاین در اقتصاد سنتی به کار گرفته می‌شوند.

### پلتفرم‌های کاری مختلف

پلتفرم‌های کار آنلاین هم روندهای شغلی را تولید و هم آن‌ها را بازتولید می‌کنند. از مقررات‌زدایی بازار کار گرفته تا بی‌ثباتی و طبقه‌بندی اشتباه کارگران در اقتصاد آنلاین و حتی ایجاد روندهای جدیدتر مدیریت الگوریتمی که بر اساس آن بهر‌موری کارگران اندازه‌گیری می‌شود و نیروی کار آن‌ها تحت شکل جدیدی از نظارت در می‌آید. «سارا قاسم»، مدرس و پژوهشگر اقتصاد سیاسی در مؤسسه علوم سیاسی دانشگاه تووبینگن در آلمان در این باره می‌گوید: «تجزیه و تحلیل بازارهای شغل آنلاین با در نظر گرفتن اینکه آن‌ها



**گزارش** فناوری‌های نو به تدریج در زندگی روزمره ما نفوذ می‌کنند و بالطبع فرصت‌های شغلی جدید را نیز در بخش‌های مختلف ایجاد خواهند کرد. در عین حال جریان دائم فناوری تله‌های جدید و وضعیت‌های نویی را به وجود می‌آورد که شرایط نامطمئن آسیب‌پذیرترین کارگران را تداوم می‌بخشد. این شرایط نامطمئن همان وضعیتی است که به «بی‌ثبات کاری» معروف است. مطالعه اخیر مؤسسه «اتحادیه کارگری اروپا»، با عنوان «دستکاری مشاغل آنلاین با شغل‌های آفلاین»، نشان می‌دهد کارگرانی که در بازارهای کار محلی کمتر مطلوب اتحادیه اروپا زندگی می‌کنند، چگونه پلتفرم دیجیتال و کار آنلاین را با مشاغل بی‌ثبات در دنیای واقعی (آفلاین) ترکیب می‌کنند.

این یک صحنه روزمره است که در آن افراد -از رانندگان تحویل بسته‌های پستی یا تاکسی‌های اینترنتی که پلتفرم‌های شغلی‌شان تحت نظارت آنلاین است تا هنرمندان خلاقی که از طریق اینترنت کار می‌کنند -وظایف خود را در شرایط کاری و اقتصادی ناپایدار انجام می‌دهند و شغل‌شان را به نمایش می‌گذارند.

محقق و نویسنده این مطالعه «اگنژ کا پیاسنا» که آن را با همکاری محقق دیگری نوشته، می‌گوید: «گر نگاه دقیق‌تری به نقشه‌اروپا بیندازیم، در مناطقی که بیشترین نسبت کار اینترنتی را دارند شامل نرماندی و بورگوندی در فرانسه، لهستان مرکزی، برمن، زارلند و زاکسن در آلمان، بلغارستان مرکزی، ایرلند شرقی و مرکزی، اسلواکی مرکزی، جزایر دریای اژه و کرت در یونان، شرق اسپانیا، جنوب ایتالیا، اتریش شمال غربی و مرکزی، رومانی و مجارستان را می‌یابیم که همگی از مناطقی هستند که در آن‌ها آمار بیکاری از سایر مناطق بالاتر است.»

تجزیه و تحلیل آماری نشان می‌دهد کارگرانی که در منطقه‌ای با بیکاری بسیار بالا (۱۳ درصد) زندگی می‌کنند، در مقایسه با مناطقی با بیکاری بسیار کم (دو درصد)، ۲۵ درصد بیشتر احتمال دارد که به کار آنلاین مشغول شوند. این داده‌های یک مطالعه بین‌المللی است که در ۱۴ کشور اروپایی انجام شده و ۸۴ درصد جمعیت در سن کار را در ۲۷ کشور اتحادیه اروپا را بررسی کرده است. به این ترتیب این مطالعه در واقع دامنه کار آنلاین و کار از طریق پلتفرم‌های دیجیتال را اندازه‌گیری می‌کند.

### کار آنلاین بی کیفیت

نتایج نشان می‌دهد همبستگی نزدیکی میان کیفیت کار سنتی و تمرکز کار آنلاین در مناطق جغرافیایی وجود دارد. در مواجهه با بی‌ثباتی اقتصادی و بی‌ثبات کاری شغلی، همه‌روژه کارگران بیشتری که به کار سنتی مشغول‌اند درآمد خود را با کار آنلاین به عنوان منبع درآمد دوم ترکیب می‌کنند. در این مطالعه آمده: «در حالی که بازار کار دیجیتال تا حدی فرصت‌های شغلی ایجاد می‌کند، تفسیر ما از وضعیت این است که مشکل بیشتر در کیفیت مشاغل سنتی موجود در بازار کار این مناطق است که نیاز به ارائه

**گزارش** محققان در مقاله‌ای که توسط مجله «نیچر» منتشر شد، اعلام کردند طبق داده‌های قبلی تولید لاستیک در مقایسه با تولید کالاهایی مانند سویا و روغن نخل، مشکلی نسبتاً جزئی در مورد جنگل‌زدایی است. اما داده‌های ماهواره‌ای با وضوح بالا که به شناسایی بیشتر مزارع خرده‌مالکی کمک کرد، نشان داده تلفات جنگل‌ها «بسیار بیشتر» از تخمین‌های قبلی است.

بر اساس تحقیقات اخیر نابودی جنگل‌ها در آسیای جنوب شرقی که ناشی از تولید لاستیک است احتمالاً دو تا سه برابر بیشتر از تخمین‌هایی است که تا به حال زده شده است. موضوعی که نشان‌دهنده چالش‌های پیش‌روی واردکنندگان مواد اولیه لاستیک برای یافتن منابع پایدار است که پیش از این هم تحت فشار کمبود منابع بوده‌اند. یک تیم بین‌المللی از محققان هشدار دادند که افزایش تقاضای جهانی لاستیک بر جنگل‌های طبیعی فشار می‌آورد و باعث از بین رفتن تنوع زیستی در آن می‌شود. در این میان آسیب بزرگ مربوط به آسیای جنوب شرقی است که مسئول ۹۰ درصد تولید جهانی مواد اولیه تولید